

## ...رخی ریشه‌های زبان فارسی و

### چگونگی تحول واکها

رویا قدوسی

بررسی ریشه‌های زبان فارسی و چگونگی تحول واک‌ها موضوعی است بسیار وسیع که تفصیل فشرده‌ای از آن را می‌آورم. واژه «پارس» یا «فارس» اولین بار بر سنگ‌نوشته‌های هخامنشی حک شده است. واژگان «پارس» – پَرسَوَ – پَرتَوَ – پشتون» همه از یک ریشه‌اند. زبان پارسی در متون پهلوی از آن به عنوان زبان سرزمین ایران Aryanam Xsaora یاد شده است. (لازم به ذکر است که معنای دقیق Xsaora سرزمین پادشاهیست و واژه امروزی «شهر» نیز از آن آمده است)

از قدیمی‌ترین آثار به این زبان می‌توان به سنگ‌نوشته‌های پاسارگاد اشاره نمود که تا چندی پیش از آن اطلاع درستی نداشتیم. گمان می‌رود قوم‌های یاد شده در تورات و کتابهای یونانیان باستان تغییر نام داده و دیگر قابل بازشناسی نیستند. این دگرگونی نام‌ها بیشتر در دوران اشکانی و سلجوقی صورت پذیرفته است.

واژگانی چون «پارس» – پارسَوَ – پَرتَوَ» از یک ریشه «Perk» آمده‌اند که به زبان هند و اروپایی به معنای «پهلوی – کنار» است.

این واژه در زبان‌های هند و اروپایی با پسوند U آمده مانند واژه Parsu در سانسکریت و Parou در پارسی که گمان می‌رود واژه «پهلوی» نیز از آن گرفته شده باشد. نام زبان فارسی در فارسی باستان Parsa خود واژه‌ای پارتی می‌باشد. چرا که حرف k هند و اروپایی در زبان پارتی به d و در زبان

### ایران زمین

فارسی به S بدل شده است. و این در حالیست که واژه «پارتی» (که از Parou آمده) واژه ای فارسی است.

به جز زبان فارسی باستان که پایه اصلی زبان فارسی امروزی می باشد زبان «پارتی» را میتوان یکی از مهمترین پشتوانه های آن دانست. چرا که زبان پهلوی پارسیک (یا پهلوی ساسانی) خود دنباله زبان پهلوی پارتیک (پهلوی اشکانی) میباشد.

واژه «پهلوی» یا «پرثوی» در طی تاریخ معانی گوناگون یافته اما گمان می رود که ابتدا به زبان شمال شرقی ایران و ساکنان آن سرزمین که امروزه خراسان خوانده می شود گفته شده باشد.

میدانیم که پس از سلطه اسکندر مقدونی در ایران (۳۲۳ قبل از میلاد) قسمت بزرگی از سرزمین هخامنشیان در دست سردار یونانی «سلوکوس نیکاتو» در آمد که سلسله سلوکیان را برپا کرد. از همان اوایل طوایف ایرانی از فرمانبری سرباز زدند و آخر قبیله ای ایرانی از شمال شرقی ایران (خراسان کنونی) که در متون هخامنشی از آن به قوم «پَرثو» یا «پارت» یاد شده ایشان را راندند و سلسله اشکانیان را برپا کردند که از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی برجا بود. این زبان در دستگاه حکومتی ساسانیان به عنوان زبان کشوری پذیرفته شد و با دگرگونی های نه چندان زیادی به شکل فارسی امروزی تحول یافت.

برای آن که بتوانیم ریشه واژگان در زبان فارسی را بازباییم می بایست سیر تحول واک ها را در این زبان در مقاطع زمانی گوناگون بررسی کنیم. با استفاده از روش «مقایسه ای» و «تطبیقی» در زبان شناسی و با در نظر داشتن این که بازبایی ریشه های یک زبان امری منطقی و استدلالی نیست بلکه امری تجربی

### ایران زمین

و عملی می باشد، می توان به یک سری قواعد زبانی دست یافت که در اینجا به چند یک از مهمترین آن ها اشاره می کنیم.

بطور کلی تحولاتی را که در طی تاریخ زبان فارسی را دگرگون ساخته را می توان به انواع زیر تقسیم بندی کرد:

الف - تحولات ساختاری Synthetique که تغییر در ترتیب اجزاء جمله را باعث می شود. برای مثال فعل متعدی در فارسی باستان پیش از مفعول می آمده، حال آن که در فارسی امروزی در آخر جمله میاید.

ب - تحولات لغوی morphologique هستند: صورت صرف اسم که در پارسی کهن وجود داشته امروزه یا از میان رفته یا تغییر یافته است. در زبان فارسی باستان مانند دیگر زبانهای کهن هندواروپایی هر اسم و صفتی صورتهای گوناگون می پذیرفته تا گذشته از معنی اصلی خود بر جنس، یعنی بر مذکر و مونث و خنثی نیز دلالت کند و بر حسب آن که مفرد، تثنیه یا جمع باشد صورتهای گوناگونی می یافته است. برای جبران این کمبود ناچار واژگانی چون «از - با - برای ...» به عبارات افزوده شده اند.

پ - تحول واک ها از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که تحولات گوناگون زبانی چه از نوع ساختاری synthetique و چه از نوع لغوی morphologique به نوبه خود به چگونگی تحول واک ها در طی زمان (نسبتاً طولانی) بستگی دارند.

به عنوان مثال برخی فعل هایی را که امروزه فعل «ساده» می خوانیم در فارسی باستان از چند جزء تشکیل شده بودند که به مرور زمان بر اثر یک سری تحولات لفظی phonologique به هم چسبیده و صورت واحد یافته اند. مانند:

نوشتن nevestan (فارسی امروزی) ni+pais (فارسی باستان)

### ایران زمین

در این مثال تحولات لفظی منجر به تحول لغوی شده اند. مثال دیگر «شناسه» در فارسی امروزی را می‌توان آورد، چرا که شناسه فارسی بر اثر تحول «ah» در فارسی باستان به دست است:

شناسه فارسی (هستم، هستی، هست،...) ah -> hastan (فارسی باستان)

و یا ساخت فعل ماضی در فارسی که بازمانده «صورت مفعولی مشتق از فعل» در فارسی باستان می‌باشد که بر اثر تحول و دگرگونی واک‌ها به صورت امروزی درآمده است. مثال:

فارسی امروزی t -> فارسی میانه ta -> فارسی باستان tu -->

به عبارتی حرف «ت» در فعل‌های «گفت، رفت،...» قدمت زیادی دارد و از فارسی باستان آمده و بر اثر تحولات لفظی به صورت امروزی تحول یافته است. ساخت فعل فارسی با صورت کهن آن تفاوت چندانی ندارد. ساخت فعل زمان حال در فارسی باستان به صورت «ام - ای (ه) - اذ/اید - ایم - اید - اند/اینند» می‌باشد، حال آن که صورت امروزی آن «م - ی - د - یم - ید - اند» می‌باشد.

گاهی واک‌های آخر واژگان در فارسی باستان می‌افتند و به صورت جدید پیدا می‌کنند مانند «گام - نام - روزن» که در اصل واژگانی مرکب بوده‌اند:

گام (فارسی امروزی) gam (فارسی میانه) ga-ma (فارسی باستان)

نام (فارسی امروزی) nam (فارسی میانه) na-ma (فارسی باستان)

روزن (فارسی امروزی) rozan (فارسی میانه) rauc-ana (فارسی باستان)

گاهی نیز واژگان پسوند خود را باگذشت زمان از دست می‌دهند، واژگانی چون «کار - گوش - گام - افروختن» در فاسی باستان به صورت‌های پسوندی

## ایران زمین

بوده‌اند:

کار (فارسی نو) kar (فارسی میانه) kara-a (فارسی باستان)  
گوش (فارسی نو) gos (فارسی میانه) gau sa (فارسی باستان)  
گام (فارسی نو) gam (فارسی میانه) gama (فارسی باستان)  
افروختن (فارسی نو) aproz (فارسی میانه) abi rauc (فارسی باستان)  
واژگان پیشوندی چون (بی‌گمان – خوبچهر) نیز بر اثر یک سری تحولات لفظی phonologique به صورت امروزی درآمده‌اند:

بی‌گمان (فارسی نو) pigoman (فارسی میانه) apa goman (فارسی باستان)  
خوبچهر (فارسی نو) xebcher (فارسی میانه) hucher (فارسی باستان)  
اگر واژگانی چون «بزرگ – شادی – مردم» را با صورت‌های کهن آن مقایسه کنیم می‌بینیم که از واژگان «وَزَرَک، شِیَاتِم، مَرْتی» گرفته شده‌اند.  
به عبارتی واک‌های «و – ک – ت» در فارسی باستان به واک‌های «ب – گ – د» بدل شده‌اند.

با تطبیق و مقایسه چندین مثال از این قبیل قوانینی به دست می‌آید. مثلاً از مقایسه دو واژه «برگ – برف» با صورت‌های باستانی‌شان «وَرَك – وَفَر» قانونی به دست می‌آید که در فرمول زیر خلاصه می‌شود:

v (فارسی باستان): b (فارسی جدید)

انواع تحولات لفظی از این قبیل زیر پوشش قانون خاصی که به اصطلاح زبان‌شناسی آن را «کم کوشیدن» می‌نامند صورت می‌پذیرد. این قانون در تمام زبان‌های دنیا صدق می‌کند چرا که انسان برای برقراری رابطه اجتماعی با هموعانش به زبان گفتار نیازمند است که خود مستلزم صرف انرژی می‌باشد و برای صرف انرژی کمتر و سهولت بیشتر به مرور زمان واک‌های پایانی و گاهی

### ایران زمین

آغازین واژگان می‌افتند. برای دستیابی به قوانین لفظی phonologique استدلال منطقی و عقلانی رد شده و تجربه اساس کار می‌باشد و برخلاف زبان‌شناسی کلاسیک است که استثناء را نتیجه خطای خودی می‌شمرد و آن را قابل بحث نمی‌داند. البته لازم به گفتن است که تحول واک‌ها در زبان فارسی مانند زبان‌های دیگر دنیا هرگز به صورت ناگهانی و اتفاقی نبوده و به صورت انفرادی رخ نمی‌دهد بلکه نتیجه تمایل عام در یک دوره مشخص از تاریخ می‌باشد. «برخی از ادوار این آمادگی‌ها یکباره جمع می‌شوند و از قوه به فعل می‌آیند» مانند گذر فارسی باستان به فارسی میانه که پر از دگرگونی بوده و گاهی نیز تحولات به آرامی صورت می‌پذیرد مانند گذر از فارسی میانه به فارسی جدید. با علم بر این قواعد زبانی درمی‌یابیم که زبان فارسی از ابتدا تاکنون طبق قوانین خاصی تحول پذیرفته است که با شناخت آن‌ها می‌توان به ریشه‌های این زبان کهن دست یافت، چرا که هر تغییر و تحولی طبق قاعده خاص روی داده است و در این سیر تحولات زبانی هیچ گونه تصادف و خطا دخالت نداشته چنانچه در تحول سلول به سلولی دیگر نتیجه خطای آن سلول نیست بلکه معلول قوانین ثابتی است.»

و این قطره‌ای بود از دریای سخن

منابع

— دکتر پرویز ناتل خانلری «تاریخ زبان فارسی»، تهران، نشر نو، ۱۹۸۶، جلد

اول

— دکتر علی‌اشرف صادقی «مسائل تاریخی زبان فارسی»، تهران، انتشارات

علمی، ۱۹۹۳

Pierre Lecoq 'Les Inscriptions de la Achemenide' Paris Gallimard 1997  
Iosif M Oranskij 'Les Langues Iraniennes' trans. by Joyce Blau Paris Librairie  
C. Klincksieck. 1977